

۸۱۵.۰۸۹۶

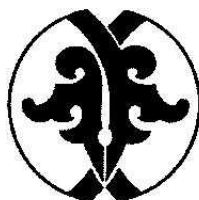
اصول حقوقی حاکم بر قرارداد

در نظام حقوقی ایران

تألیف:

علیرضا عطایی

www.ketabo.ir



انتشارات امجد

سرشناسه	: عطایی، علیرضا،
عنوان قراردادی	: ایران. قوانین و احکام Iran. Laws, etc
عنوان و نام پدیدآور	: اصول حقوقی حاکم بر قرارداد در نظام حقوقی ایران / تالیف علیرضا عطایی.
مشخصات نشر	: تهران: امجد، ۱۴۰۰.
مشخصات ظاهری	: ۲۴۱ ص.
شابک	: ۹۷۸-۶۲۲-۷۲۶۹-۵۵-۰
وضعیت فهرست نویسی	: فیبا
موضوع	: قراردادها -- ایران
موضوع	: Contracts -- Iran
موضوع	: تعهدات (حقوق) -- ایران
موضوع	: Obligations (Law) -- Iran
موضوع	: قراردادها (حقوق بین الملل)
موضوع	: (Contracts International law)
رده بندی کنگره	: KMH۸۵۸
رده بندی دیویی	: ۳۴۶/۵۵۰۲
شماره کتابشناسی ملی	: ۸۵۰۷۴۹۳
اطلاعات رکورد کتابشناسی	

دفتر مرکزی امجد:

تهران، خیابان منیری جاوید، پلاک ۵۷، طبقه اول شمالی

تلفن و دورنگار: ۶۶۴۱۱۹۳۲ - ۶۶۴۶۳۰۵۹

فروشگاه: خیابان منیری جاوید، تقاطع شهدای ژاندارمری، پلاک ۵۹ - تلفن: ۶۶۴۸۶۸۷۴

اصول حقوقی حاکم بر قرارداد در نظام حقوقی ایران

مؤلف:	علیرضا عطایی
ناشر:	انتشارات امجد
چاپ اول:	دی، ۱۴۰۰
تعداد:	۵۰۰ نسخه
شابک:	ISBN: 978 - 622- 7269- 55- 0 ۹۷۸ - ۶۲۲ - ۷۲۶۹ - ۵۵ - ۰

حق چاپ محفوظ و منحصر «امجد» است.

فهرست مطالب

مقدمه	۹
فصل اول: کلیات و مفاهیم	۱۱
بخش اول: مفهوم اصول حقوقی و اهمیت آن	۱۱
بخش دوم: جایگاه اصول حقوقی در میان منابع حقوق	۱۳
بخش سوم: ویژگی‌های اصول حقوقی	۱۶
مبحث اول: ثبات و تغییر در اصول حقوقی	۲۱
مبحث دوم: تعریف قاعده حقوقی	۲۲
مبحث سوم: تفاوت قاعده حقوقی و اصول حقوقی	۲۴
بخش چهارم: اصول حقوق شکلی	۲۷
مبحث اول: تحول اصول دادرسی مدنی	۲۸
مبحث دوم: تمیز اصول راهبردی دادرسی از سایر اصول حقوقی	۲۹
مبحث سوم: اصول فراملی برای هماهنگ‌سازی حقوق	۳۰
مبحث چهارم: اصول کلی حقوقی و اصول راهبردی دادرسی	۳۴
فصل دوم: اصول حاکم بر قراردادهای عمومی (اصول حاکم بر ارائه خدمات عمومی)	۳۷
بخش اول: اصول حقوقی حاکم بر قراردادهای عمومی	۳۷
مبحث اول: اصل استمرار (تداوم)	۳۷
مبحث دوم: اصل انطباق	۳۹
مبحث سوم: اصل تقدم مصالح عمومی بر منافع خصوصی	۴۰
مبحث چهارم: اصل بی‌طرفی و تساوی	۴۳
مبحث پنجم: اصل تفوق	۴۵
مبحث ششم: اصل تناسب	۴۸
بخش دوم: اصول غیرحقوقی حاکم بر قراردادهای عمومی	۵۰
مبحث اول: اصل «حاکمیت قانون»	۵۰
مبحث دوم: اصل برابری و عدم تبعیض	۵۲
مبحث سوم: اصل انصاف و فراگیری	۵۴
مبحث چهارم: اصل مبارزه با فساد اداری	۵۵
مبحث پنجم: اصول مرتبط با حکمرانی مطلوب	۵۸
گفتار اول: مشارکت	۵۸

۶۰	گفتار دوم: شفافیت
۶۵	گفتار سوم: آزادی اطلاعات
۶۶	گفتار چهارم: پاسخگویی
۷۴	گفتار پنجم: کارآمدی و اثربخشی
۷۵	فصل سوم: اصول حقوقی حاکم بر قراردادهای خصوصی
۷۵	بخش اول: اصول حاکم بر انعقاد
۷۵	مبحث اول: اصل آزادی قراردادها
۸۰	مبحث دوم: اصل لزوم
۸۵	مبحث سوم: اصل حاکمیت اراده
۸۹	گفتار اول: اصل عدالت
۹۱	گفتار دوم: اصل انصاف
۹۶	گفتار سوم: اصل انصاف قراردادی
۱۰۶	گفتار چهارم: اصل حمایت از شخص ضعیف در قراردادها
۱۰۸	گفتار پنجم: حمایت از طرف ضعیف در مذاکرات با حسن نیت
۱۱۵	فصل چهارم: اصول حقوقی حاکم بر قراردادهای بیمه
۱۱۵	بخش اول: اصول حقوقی
۱۱۵	مبحث اول: اصل لزوم
۱۱۶	مبحث دوم: اصل الحاقی بودن
۱۱۷	مبحث سوم: اصل استمراری بودن
۱۱۸	مبحث چهارم: اصل معوض بودن
۱۱۹	مبحث پنجم: اصل رضایی بودن
۱۲۱	مبحث ششم: اصل حسن نیت
۱۲۶	بخش دوم: اصول غیرحقوقی (بیمه‌ای)
۱۲۶	مبحث اول: اصل تفسیر به نفع بیمه‌گذار
۱۲۸	مبحث دوم: اصل نسبی بودن سرمایه
۱۳۰	مبحث سوم: اصل جانشینی یا قائم‌مقامی
۱۳۱	مبحث چهارم: اصل نفع بیمه‌ای
۱۳۵	فصل پنجم: اصول حاکم بر تملکات
۱۳۷	بخش اول: ارتباط تملکات دولت با اصول و مبانی فقهی
۱۴۰	مبحث اول: تعریف مالکیت
۱۴۱	مبحث دوم: اوصاف مالکیت

مقدمه

اصول کلی حقوقی نقطه متعالی سلسله مراتب منابع در علم حقوق به شمار می‌روند. تجلی ارزش‌های اجتماعی و اخلاقی در قواره اصول کلی حقوق، این منبع ماهوی را برجسته و به گونه‌ای متفاوت از سایر منابع نمایانگر می‌سازد؛ از این رو به باور نگارندگان، باید بین مبانی حقوق و منابع آن قائل به تفکیک شد. در صورتی که قانون موضوعه‌ای، توسط مرجع صلاحیت دار، به تصویب برسد قانونگذاری تنها به لحاظ شکلی موجه است؛ اگرچه با اصول کلی حقوقی در ماهیت متعارض باشد؛ به این دلیل قانون موضوعه باید با معیار ماهوی یعنی با اصول کلی حقوق نیز منطبق باشد تا بتوان از قانون به معنای واقعی کلمه سخن گفت. در کتاب پیش‌رو، قوانین و مقررات موضوعه ایران به لحاظ مغایرت با اصول راهبردی حقوق مورد نقد و تحلیل قرار گرفته‌اند.

اصول کلی حقوقی در مکاتب و رویکردهای گوناگون فلسفه حقوق حائز اهمیت و ارزش متفاوتی می‌باشند. رویکردهای پوزیتیویستی در مقام سنجش میان اصول کلی حقوقی و قانون موضوعه، اصالت را به قانون داده‌اند، زیرا در موردی که حتی قانون مغایر با اصول کلی حقوقی باشد، برای تامین نظم و مصلحت اجتماع باید به قانون ارج نهاده شود. در رویکردهای حقوق طبیعی، اصول کلی حقوقی اهمیتی بیش از قانون موضوعه داشته و در صورتی که قانون بر مبنای اصول کلی حقوقی به تصویب مجلس نرسیده باشد، نمی‌توان به معنای واقعی کلمه، اسم قانون بر آن نهاد. تلفیق میان هست‌ها و بایدها هنر مقنن می‌باشد و در مسیر تصویب قانون و برای تحقق مطلوب نیازمند به ابزاری به نام «اصول کلی حقوقی» است. بنابر رویکرد اخیر است که قانون مغایر با اصول کلی حقوقی تنها واجد معیارهای شکلی تقنین بوده و افزون بر آن به باید به مهم‌ترین وصف ماهوی وضع قانون، یعنی تطبیق با اصول مذکور متصف گردد. تقنین به صورت عام و قانونگذاری در راستای انسانی شدن، نمی‌تواند خود را از اصول کلی حقوقی بی‌نیاز ببیند، از این رو قانونگذار در صورتی می‌تواند به وضع قانون دست زند که از صافی اصول کلی حقوقی عبور نماید. قوانین متعارض با اصول کلی حقوقی باید به موجب قانون جدید نسخ یا از مجموعه قوانین حذف شوند.